

نگاهی به کارنامه «مهران مدیری» در جایگاه کارگردان، نویسنده، بازیگر، مجری و خواننده

# همیشه پای «مدیری» در میان بود!

**گروه سینما و تلویزیون**- اوایل دهه ۷۰ بود که به عنوان کم‌دین پا به تلویزیون گذاشت و با کارگردانی و بازی در طنزهای آیتمی توانست به موفقیت فراوانی دست پیدا کند. مسیر این موفقیت در دهه ۸۰ با ساخت سریال‌های دنباله‌دار و نودشی کمدی ادامه پیدا کرد. درباره «مهران مدیری» صحبت می‌کنیم که تا پایان دهه ۸۰ به عنوان موفق‌ترین کارگردان و بازیگر کمدی شناخته می‌شد به گونه‌ای که در تولیدات کمدی آن برهه به نوعی همیشه پای مدیری در میان بود! در دهه ۹۰ با این که فعالیت‌های او به سمت و سوی دیگری رفت و گاهی شکست‌هایی را هم در کارنامه‌اش تجربه کرد اما هیچ کدام از این مسائل باعث نشد از اهمیت او به عنوان چهره محبوب مخاطبان کاسته شود. «مدیری» در کنار کارگردانی و بازی در آثار کمدی، به عنوان بازیگر نقش‌های جدی هم تلاش‌هایی کرد و در کارنامه‌اش اجرا و خوانندگی هم دیده می‌شود. او حالا چند وقتی است تمرکز بیشتری روی بازی در نقش‌های جدی دارد. «پدر گوار دیولا»، «درخت گردو»، «خاتون» و «خائن کشی» تعدادی از بازی‌های او در نقشی جدی است. او این روزها برنامه سرگرم‌کننده «اسکار» را در شبکه نمایش خانگی دارد. به همین بهانه، به سراغ آثار او به عنوان مجری، کارگردان، بازیگر و خواننده رقتیم تا کارنامه این هنرمند شاخص را بررسی کنیم. در پایان این مطلب هم نگاهی موشکافانه به نقاط ضعف و قوت برنامه «اسکار» انداختیم که این روزها آخرین فصلش در حال پیش از شبکه نمایش خانگی است.

#### کارگردانی تلویزیون

«مهران مدیری» اولین بار سال ۱۳۷۲ با مجموعه آیتمی «پرواز ۵۷» به میدان آمد و خودش را خیلی زود به مخاطبان اثبات کرد. این مجموعه برای دهه فجر آن سال تولید شد و نسبت به سایر مجموعه‌های کمدی آن دوره، چند گامی رو به جلو بود. مدیری در این مجموعه جذاب و متفاوت پای بازیگران جوانی مثل «رضا عطاران»، «نصرا... رادش» و «سعید آقاخانی» را هم به تلویزیون باز کرد. «مدیری» تا به حال برای تلویزیون ۱۶ اثر تولید کرده که ۶ مجموعه آیتمی، ۹ سریال تلویزیونی و یک تانک شو است. بعضی از آثار مدیری مثل «پرواز ۵۷»، «ساعت خوش»، «مرد هزار چهره»، «مرد دوهزار چهره»، «پاورچین» و «شب‌های برره» کیفیت بیشتری نسبت به سایرین داشتند. آخرین همکاری مدیری با تلویزیون کارگردانی «دورهمی» در شبکه نسیم بود.

#### کارگردانی شبکه نمایش خانگی

اولین تجربه همکاری مدیری با شبکه خانگی، «گنج مظفر» بود. او برای فصل دوم «باغ مظفر» با تلویزیون به توافق رسید و قرار شد آن را در شبکه نمایش خانگی توزیع کند، اما با مشکل مواجه شد و سه سال بعد از «قهوه تلخ» در شبکه نمایش خانگی توزیع شد. «قهوه تلخ»، «ویلاي من»، «گنج مظفر»، «شوخی کردم»، «عطسه»، «هیولا» و «دراکولا» و «اسکار» از جمله آثار مدیری در شبکه خانگی هستند. بعد از موفقیت «قهوه تلخ» از آن جهت که قسمت‌های پایانی این سریال هیچ‌وقت ساخته نشد، تصمیم گرفت برای جریان بدقولی‌ها بلافاصله «ویلاي من» را بسازد که اثر ضعیفی از آب درآمد. «شوخی کردم» اثر متوسطی بود با وجود این که برخی آیتم‌های آن طرفدار پیدا کرد. «عطسه» ضعیف‌ترین اثر مدیری در نمایش خانگی بود. مدیری سال‌ها بعد از «شوخی کردم» سراغ ساخت «هیولا» بر اساس فیلمنامه «پیمان قاسم‌خانی» رفت که اثر موفق‌ی از آب درآمد اما فصل دوم این اثر با نام «دراکولا» نتوانست موفقیتی به دست بیاورد.

#### کارگردانی سینما

«مدیری» بعد از ساخت ۱۵ سریال در تلویزیون و چهار سریال برای شبکه نمایش خانگی، تازه در سال ۱۳۹۵ تصمیم گرفت اولین فیلم سینمایی‌اش را با نام «ساعت پنج عصر» کارگردانی کند. او با وجود این که در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی، کارگردان پرکاری به حساب می‌آید، در سینما کارنامه پرپای نداشت و چند ماه قبل، ضبط دومین فیلم سینمایی‌اش «ساعت شش صبح» را به پایان رساند. «ساعت پنج عصر» که این که اثر قابل قبولی به حساب می‌آمد اما از جهاتی انتظار مخاطبان آثار «مدیری» را برآورده نکرد و از نهایت اکران آن با فروش ۹ میلیارد تومان به پایان رسید. «مدیری» در هر دو اثر سینمایی‌اش از فضای کمدی سریال هایش فاصله گرفته و آن طور که شنیده می‌شود فیلم جدیدش اثری جدی است.

#### فیلمنامه

«مدیری» کارگردان پرکاری است، اما اکثر آثارش را بر اساس فیلمنامه‌های دیگر نویسندگان تولید کرده است. او سال‌ها با «پیمان قاسم خانی» به عنوان سرپرست نویسندگان سریال هایش همکاری داشت. این همکاری موفقیت زیادی برایش به همراه آورد. بعد از «قاسم‌خانی»، نویسندگان دیگری، از جمله «امیرمهدی ژوله» و مرحوم «خشایار آوند» او را همراهی می‌کردند تا این که در نهایت تصمیم گرفت اولین فیلم سینمایی‌اش، «ساعت پنج عصر» را بر اساس فیلمنامه خودش بسازد که البته بعدها مشخص شد فیلمنامه اولیه آن از «خشایار آوند» بوده و «مدیری» به طور کامل آن را بازنویسی کرده است. علت اصلی ضعف «ساعت پنج عصر» به فیلمنامه آن برمی‌گردد. ریتم کند، موقعیت‌های تکراری و اغراق‌آمیز و شخصیت‌پردازی نامناسب از جمله مهم‌ترین ضعف‌های فیلمنامه «ساعت پنج عصر» بود. «مدیری» فیلم جدیدش را هم بر اساس فیلمنامه اولیه «عباس رافعی» ساخته و آن را کامل بازنویسی کرده است.

#### بازیگر آثار کمدی

«مهران مدیری» از «نوروز ۷۲» و سپس برنامه «پرواز ۵۷» به عنوان کم‌دین به مخاطبان معرفی شد. در فضای دهه ۷۰، «مهران مدیری» با خلاقیت ویژه‌ای در عرصه کمدی به میدان آمد و خیلی زود توانست توجه مخاطبان را جلب کند. پلاتوهای «مدیری» هم به مجموعه‌های آیتمی هم طرفدار ویژه‌ای داشت. حضور «مدیری» در آثارش به قدری اهمیت داشت که وقتی در سریال «در حاشیه ۲» بازی نکرد، نصف بیشتر مخاطبان قید تماشای آن را

زدند. هنوز هم نقش‌هایی مثل «رامین» در «جنگ ۷۷»، «فرهاد» در «پاورچین»، «شیرفرهاد» در «شب‌های برره»، «مسعود شصت‌چی» در «مرد هزار چهره» و «بلوتوت» در «قهوه تلخ» از ذهن بسیاری از مخاطبان بیرون نرفته‌اند. او برای بازی در «همیشه پای یک زن در میان است» نامزد دریافت سیمرغ بازیگری جشنواره فجر شد.

#### بازیگری آثار درام

«مهران مدیری» اولین بار در سال ۱۳۷۱ بازیگری در تلویزیون را با ایفای نقشی کوتاه و جدی در مجموعه «مش‌های کوچک» به کارگردانی «ثریا قاسمی» تجربه کرد، اما بازی او در مجموعه «نوروز ۷۲» به چشم آمد. او در همان ابتدای دهه ۷۰ در سریال «باغ گیلان» به کارگردانی «مجید بهشتی» نقشی جدی را بر عهده گرفت و یک سال بعد که به عنوان کم‌دین در ذهن‌ها تثبیت شده بود در فیلم «دیدار» به کارگردانی «محمدرضا هنرمند»، باز هم در نقشی جدی بازی کرد. «مدیری» بعد از آن تا سال‌ها جایگاهش را به عنوان یک کم‌دین حفظ کرد تا این که در آثار «پل چوبی»، «درخت گردو»، «خاتون»، «خائن کشی» و «پدر گوار دیولا» بار دیگر در نقش‌هایی جدی به میدان آمد.

#### اجرا

«مهران مدیری» سال ۱۳۸۷ اولین بار با برنامه «ببخشید شما» اجرا را تجربه کرد، سپس در سال ۱۳۹۵ با برنامه «دورهمی» در جایگاه مجری نشست؛ یک تانک شو شبانه پرهیجان که آن زمان طرفدار زیادی داشت. او در آخرین فصل پیش شده دورهمی هم اجرای یک مسابقه را بر عهده گرفت. به طور کلی دورهمی برنامه موفق‌ی بود و این موفقیت بیشتر از هر چیز به محبوبیت خود «مهران مدیری» برمی‌گشت. او گفت وگوهایش را با شوخ‌طبعی خودش پیش می‌برد و از این جهت مورد توجه قرار داشت. البته اجرای «مدیری» در مسابقه دورهمی با انتقادهایی هم همراه بود.

#### خوانندگی

«مدیری» اواخر دهه ۷۰، زمانی که در اوج محبوبیت قرار داشت با کار برای موسیقی

«اسکار» بعد از برنامه و مسابقه «دورهمی»، تجربه دیگری از برنامه‌سازی توسط «مهران مدیری» است؛ برنامه‌ای با مسابقات مفرح و پرطرفدار که با وجود امتیازهایی که دارد، آن طور که باید در تبدیل شدن به اثری درخشان و ماندگار در کارنامه این هنرمند محبوب موفق ظاهر نشده است.

«مهران مدیری» یکی از محبوب‌ترین چهره‌های کمدی در ایران است و به طور طبیعی تمام برنامه‌هایش با استقبال زیادی روبه‌رو می‌شوند. «اسکار» هم به همین دلیل توانست به اثری پر مخاطب تبدیل شود و طرفداران زیادی داشته باشد اما به همین اوصاف، برنامه‌ای خالی از ایراد نبوده است. صبر کردیم «اسکار» به فصل پایانی برسد تا بتوانیم با نگاهی کلی‌تر با ابعاد مختلف آن روبه‌رو شویم و از نقاط قوت و ضعف آن بنویسیم. این روزها فصل آخر اسکار در حال پیش است.

شکی نیست که «مهران مدیری» به عنوان یکی از قدیم‌ترین، باتجربه‌ترین و موفق‌ترین چهره کمدی تلویزیون ایران، همواره برای مخاطبان جذاب است. او برندی است که حضورش می‌تواند مخاطبان فراوانی را پای یک برنامه جمع کند و شیرینی صحبت‌هایش هم لبخندی روی لب‌هایمان می‌آورد، پس طبیعی است که بخش بسیار مهم جذابیت «اسکار» به علت اجرای خود او است؛ چه به لحاظ محبوبیت این چهره و چه به لحاظ تمهیداتی که برای بازم‌تکرار شدن یک برنامه در نظر می‌گیرد و به‌خوبی آن را پیش می‌برد. «مدیری» حتی با سکوت‌ها و نگاه‌ها و پاسخ‌های بسیار

کوتاهی که در موقعیت‌های مختلف به زبان می‌آورد و همچنین شوهر برقراری دیالوگ با شرکت‌کننده‌های می‌تواند برنامه را جذاب کند که این موضوع مستقیم به ویژگی‌های خاص او برمی‌گردد.

یکی از بحث‌برانگیزترین و پراهم‌ترین مسئله‌ای که در «اسکار» وجود دارد، چگونگی داوری میان شرکت‌کننده‌هاست. «مدیری» از همان قسمت اول اعلام می‌کند خبری از تیم داوری نیست و حتی مخاطبان هم در انتخاب بهترین شرکت‌کننده دخیل نیستند. همه‌چیز صرفاً بر اساس امتیازی است که خودش برای شرکت‌کننده‌ها در نظر می‌گیرد. ولی با این حال مشکل اصلی این جاست که امتیازهای مدیری از هیچ چارچوب مشخصی تبعیت نمی‌کنند، به این معنا که معیاری تعریف شده وجود ندارد که مخاطبان و شرکت‌کنندگان متوجه شوند «مدیری» بر چه اساسی این داوری را انجام می‌دهد و مثلاً برای یک نفر از ۱۰ امتیاز، ۴ در نظر می‌گیرد و برای دیگری ۶ یا ۷. نکته مهم‌تر این است که «مدیری» حتی این حق را به کسی نمی‌دهد که سوالاتی درباره امتیازها بپرسد یا دلیل کمتر شدن امتیازش را نسبت به دیگری بداند چون حتی در صورت مطرح شدن این پرسش، پاسخی جز «دلم می‌خواهد» به او نمی‌دهد! درست است که «اسکار» به طور کلی برنامه‌ای مفرح است و بر دو باخت تأثیر چندانی در آن ندارد، اما به هر حال مخاطبانی که مدام در حال تماشای مسابقه‌های مختلف ایرانی و خارجی هستند، به شیوه ارزش‌گذاری در مسابقه‌ها هم بهای می‌دهند و این بی‌نظمی آذیتشان می‌کند.

«اسکار» مسابقه‌ای جدید است با ویژگی‌های خاص خودش که به

طور کلی می‌توان آن را اثری بازمه و سرگرم‌کننده به حساب آورد اما آیا از تمام پتانسیل‌های آن استفاده شده است؟ ما مسابقات زیادی را دیده‌ایم که از همان نقطه شروع و در سکانس افتتاحیه چنان قدرت‌نمایی و جلب‌توجه می‌کنند که مخاطبان مطمئن می‌شوند برنامه‌ای که چنین آغازی داشته باشد حتماً در ادامه جذاب‌تر هم خواهد شد. جای دوری نرویم. کافی است یک بار دیگر نحوه ورود شرکت‌کننده‌ها به مسابقه‌های «مافیا» و «جوکر» را مرور کنیم تا متوجه شویم یک کارگردان می‌تواند از چه شیوه‌های خلاقانه‌ای برای شروع یک اثر استفاده کند؛ اتفاقی که در «اسکار» عملاً از آن خبری نیست؛ مهمان‌ها بدون هیچ تمهید خاصی پشت‌سر هم وارد استودیو می‌شوند و می‌نشینند. «مدیری» بلافاصله تیلش را در می‌آورد و هر بار با ابراز بی‌اطلاعی راجع به برخی موارد، روی نکاتی تکیه می‌زند و بعد از ویدئووال متحرکی که وارد صحنه می‌شود تعریف می‌کند و هر بار همه چیز به همین شکل پیش می‌رود. نکته مهم این جاست که «مدیری» در تمام مدت تأکید دارد روی کاندیداتور مسلط است و باید همه‌چیز را سرفوت و درست و دقیق پیش ببرد اما درباره امتیازدهی کوچک‌ترین قانونی در نظر نگرفته است. مسئله بعدی چپش آیتم‌های استودیو و ویلاست. درست است که بعضی مسابقه‌ها به دلیل نیاز به ابزارهای ویژه لازم است در ویلا اجرا شوند اما خیلی از آن‌ها را می‌توان به راحتی داخل استودیو و در حضور خود مدیری ضبط کرد و جذابیتش را بالاتر برد. با این حال مدیری ترجیح داده آن‌ها را هم داخل ویلا ضبط کنند، آن هم بخش‌هایی که بدون

حضور او جذابیتی هم ندارند. در واقع می‌توان گفت «اسکار» با یک اتاق فکر دقیق و خوش فکر، با ایده‌هایی خلاقانه وارد میدان شده اما در بسیاری از موارد، در سطح ایده باقی مانده و فراتر نرفته است. «نیما شعبان‌نژاد» را از زمان مسابقه «خندوانه» می‌شناسیم؛ او با کاراکترهای «نیما» و «بابرام» در موقعیت‌های مختلف با «رامبد جوان» همراهی می‌کرد و حضورش به قدری جذاب بود که خیلی زود توانست در دل مخاطبان جا بگیرد، در واقع همراهی «شعبان‌نژاد» با «رامبد جوان»، عامل اصلی شهرتش شد و به طور طبیعی حضورش در «اسکار» هم می‌توانست به همان نسبت جذاب باشد و موقعیت‌های بازمه‌ای را رقم بزند اما «مدیری» از پتانسیل حضور این بازیگر توانمند هم در کنار خودش استفاده نکرده است. «نیما» هر بار فقط در کنار «مدیری» می‌نشیند و گاهی حرف‌های بازمه می‌زند و از روی برگه سوال‌ها می‌خواند یا در نهایت چند کل‌کل کوتاه با «مدیری» و شرکت‌کنندگان دارد اما ما که بیشتر این بازیگر را در «خندوانه» دیده بودیم و بازی و موقتش را در سریال «هیولا» به خاطر داریم خوب می‌دانیم که «نیما» می‌توانست خیلی بیشتر از این‌ها به چشم بیاید و به یکی از عوامل اصلی موفقیت برنامه تبدیل شود. به هر حال «اسکار» به فصل پایانی خود، سید و تجربه دیگری در کارنامه «مدیری» به جا گذاشت؛ تجربه‌ای که با وجود حال خوشی که در ما ایجاد کرد، شاید نتوانیم آن را اثری موفق در میان آثار «مدیری» قرار دهیم و تا همیشه در ذهنمان نگه داریم.

#### ستاره های سینمای جهان



#### سیلوستر استالونه

«سیلوستر گاردنز استالونه» که بیشتر با نام «سیلوستر استالونه» شناخته می‌شود، بازیگر، کارگردان، تهیه‌کننده، بدستار، نویسنده و تاجر است. او در ۶ ژوئیه ۱۹۴۶ در نیویورک به دنیا آمد. پدرش «فرانک استالونه» یک آرایشگر ایتالیایی بود و مادرش اصالتی اوکراینی-فرانسوی داشت. او یک برادر به نام «فرانک استالونه» دارد که هنرپیشه و موسیقیدان است. «سیلوستر استالونه» در هنگام تولد به دلیل استفاده نادرست پزشکی از یک دستگاه دچار معلولیت در قسمت چپ صورت، شامل قسمتی از لب، زبان و چانه شد. ۹ ساله بود که والدینش از یکدیگر جدا شدند. او مدتی را در آکادمی نظامی میامی به نام دکالاج و دانشگاه میامی به تحصیل پرداخت. او بازیگری را با نقش‌های کوتاه و کم‌اهمیت آغاز کرد و فیلمنامه فیلم سینمایی «راکی» را بعد از تماشای مسابقه بوکس «محمدعلی کلی» تنها در سه روز نوشت. «سیلوستر» شرط گذاشته بود که خودش باید به عنوان نقش اول این فیلمنامه در فیلم حضور داشته باشد. این فیلم به فروش ۲۱۳ میلیون دلاری رسید و در سال ۱۹۷۷ جایزه اسکار بهترین فیلم را دریافت کرد. همین موضوع باعث شهرت «استالونه» شد. محبوبیت او تا جایی پیش رفت که مقام هفتم بهترین قهرمانان فیلم‌های هالیوود را به دست آورد. فیلم سینمایی «کوچه بهشت» در سال ۱۹۷۸ اولین تجربه کارگردانی او به شمار می‌آید. «استالونه» تابلوهای بسیاری را خلق کرده و تاکنون در موزه هنرهای مدرن شهر نیس در فرانسه و موزه دولتی روسیه در سن پترزبورگ نمایشگاه نقاشی برگزار کرده است. او تاکنون چندین بار در

دوناآلوه برنده سزار افتخاری.